

جنبش نرم‌افزاری نسل اول و دوم انقلاب شکاف گفتمانی دارند

گفت‌وگو با دکتر عادل پیغامی

محمدحسین وزارتی

ایشان به مقوله اقتصاد می‌زند، بعد از انقلاب مغفول ماند و بیشتر مباحث اقتصاد اسلامی در حوزه و دانشگاه هیچ‌گاه پیگیری نشد. حالا این اصل فرضیه است و فکر می‌کنم که در نوع خودش جنبه‌ای هم باشد و مجموعه‌ای از مناقشات و به تعبیری مباحثات علمی مفید را راه بیاندارد. مفید بودنش هم به این است که هم به نوعی بازخوانی جنبش فکری نسل اول انقلاب را که به نظر من فاز اول بود، راه می‌اندازد، هم نقد نسل دوم در این سی و چند سال است و هم مسیر را برای نسل سوم هموار می‌کند.

دلیل این مغفول ماندن چیست؟

اینکه چرا خوانده نشد و چرا ادامه پیدا نکرد، خیلی پیچیده است؛ هم دلایل معرفتی دارد و هم دلایل غیرمعرفتی. مثلاً در زمینه نوع رویکردی که شهید صدر و امام موسی صدر باز کرده بودند، در حوزه مناطگیری از احادیث و آیات و در حوزه نظام‌سازی، چه رویکردهایی که ایشان در اصول فقه داشت و چه رویکردهایی که در قواعد فقهی داشت، هیچ‌گاه از سوی حوزه علمیه قم به عنوان یک جریان حاکم مورد پذیرش واقع نشد. همان زمان هم نشد و بعد از انقلاب هم هیچ‌گاه مورد بحث قرار نگرفت و مباحثه جدی نسبت به رهیافت ایشان اتفاق نیافتاد. به همین دلیل طبیعی است که آن مسیر ادامه پیدا نکند. البته بعضی وقت‌ها این چراها به نقطه‌هایی می‌رسد که هم عجیب‌تر و هم سهمگین‌تر از چرای اولی است.

شهید صدر کتابی به نام اقتصادنا دارد که قبل از انقلاب ترجمه شده بود و بعد از انقلاب هم همین ترجمه‌ها بازترجمه و چاپ شده بود و نهایتاً هیچ‌گاه یک ترجمه سلیس روان نداشته است؛ اما مگر همین هم الان در بازار پیدا می‌شود؟ مگر ما چند تا شهید صدر یا چند تا اقتصادنا داریم؟ یا «البینک لا الربوی فی الاسلام» ایشان در سال ۶۵ ترجمه پُر از غلط می‌شود و ما تا سال ۹۰ باید صبر کنیم که در جمهوری اسلامی ایران این کتاب ترجمه مجدد شود و در دسترس عموم قرار گیرد. ایشان هفت مقاله هم دارد که چهار، پنج تا از آن‌ها به صورت جزوهای، ترجمه آزاد پُر از غلط شده و دو، سه‌تایش با توجه به اینکه نیم‌قرن کمتر یا بیشتر از نگارش آن گذشته، هیچ‌گاه ترجمه نشده است. اگر چرای ترجمه کتاب‌ها و مقالات ایشان را داشته باشیم، آن وقت چراهای بعدی را می‌توان جواب داد. وقتی که هنوز خود کتاب ترجمه نمی‌شود و در دسترس قرار نمی‌گیرد، طبیعتاً مورد توجه قرار گرفتن توسط مراکز پژوهشی چه نخبگان و چه پژوهشگران و چه در برنامه‌های درسی به طریق اولی دیگر کنار گذاشته می‌شود.

در هر صورت به نظر می‌رسد نخبگان جمهوری اسلامی ایران خیلی درگیر مسائل و نیازهای اجرایی شدند و دلیل دوم اینکه این نخبگان از سوی دشمنان از

عادل پیغامی، استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) است که از مدتی پیش معاونت پژوهشی این دانشگاه را نیز بر عهده گرفته است. قرار بود بحث ما در رابطه با کتاب «اقتصادنا» اثر شهید محمدباقر صدر باشد؛ اما گفت‌وگو به مسائلی فراتر از آن کشید: بی‌مهری نسبت به نسل اول جنبش نرم‌افزاری انقلاب. او معتقد است نخبگان مولد نظریه و مدل در جمهوری اسلامی، یا توسط دشمنان ترور شدند و یا بیش از اندازه درگیر کارهای اجرایی کشور شده‌اند. به همین دلیل نسل دوم جنبش نرم‌افزاری انقلاب قرائتی تکامل یافته از نسل اول خود نیست. در نتیجه گاهی پس‌رفت داشته و گاه مباحث آن در حاشیه مسائل شکل گرفته و از نظام‌سازی ناتوان مانده است. پیغامی کارهایی که در حوزه علوم انسانی - اسلامی شکل می‌گیرد را بیشتر هیپنوتیزم جمهوری اسلامی می‌داند. وی در این گفت‌وگو چند فرضیه جنبه‌جالی را مطرح می‌کند که شایسته بررسی است.

موضوع اصلی ما درباره کتاب «اقتصادنا» اثر مرحوم شهید صدر است. اولین نکته‌ای که در این باره به چشم می‌خورد، مهجوریت این اثر و آثاری از این دست در بین نخبگان و دانشگاهیان ماست. شما دلیل آن را چه می‌دانید؟

نکته‌ای که می‌خواهم در این باره عرض کنم، در حد یک ایده و فرضیه است و نیازمند بحث بر روی آن است. آن فرضیه این است که بگوییم قبل از شکل‌گیری و به نتیجه رسیدن انقلاب اسلامی و قبل از براندازی طاغوت، مجموعه حرکت‌ها و جنبش‌های فکری و معرفتی اتفاق افتاد که خیلی به شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران کمک کرد. فرضیه ما این است که بگوییم ظرفیت‌های آن جنبش معرفتی که قله‌های فکری‌اش در امثال کسانی مانند علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر، امام موسی صدر و شهید باهنر تجلی می‌یافت، بعد از انقلاب، آن گونه که باید و شاید در نظام‌سازی به کار گرفته نشد.

اکنون که ما به این رسیده‌ایم که الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت چیست یا هنوز دنبال این پروژه هستیم که اقتصاد اسلامی چه باید باشد؟ دلالت آن فرضیه این است که ما باید به چارچوب‌هایی که آن نهضت معرفتی به وجود آورد، بازگشت کنیم؛ مثلاً ظرفیت‌های المیزان در بحث الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت یا در بحث اقتصاد اسلامی، هنوز مباحثی که شهید مطهری در بحث ربا مطرح کرده، احیا نشده است. فرضیه ما این دلالت‌ها را دارد. حتی دستاوردهایش بالاتر از مباحثی است که امروز در بحث بهره و ربا گفته می‌شود یا مطالبی که شهید صدر درباره اقتصاد اسلامی می‌گوید و نوع رهیافت ایشان و بُرشی که